

منضم شده دانسته که مشارالیه را معرفی نماید که سمت معاونت وزارت تجارت و بیست و تلگراف را دارا هستند

معاون الدوله معاون وزارت پست - بنده عرضی که داشتم این بود مسئله کتترات مسیومولیتراست که مدتی است آمده بمجلس و موادش گذشته است فقط یکماده که راجع بحقوق اوست که ناقص بود و همین طور مانده است و اینرا میدانید که مستخدم اروپائی همینکه کتتراتش سرآمد نمیتواند بدون کتترات خدمت کند و نمیتواند مسئولیت داشته باشد بنده آمده ام تقاضا کنم که اینمسئله جزء دستور گذاشته شود که این کتترات بگذرد که اینمطلب ختم شود.

رئیس - اگر مخالفی نیست که جزء دستور گذاشته میشود (اظهار شد صحیح است.)

فهم الملك - بریروز اینجادرضمن سئوالانی که آقای انتظام الحکماء از معاون وزارت جنگ نمود معاون وزارت جنگ جواب دادند این اسلحه که خریده شده است مذاکره او در کمیسیون قوانین مالیه شده است بنده گمان کردم شاید کمیسیون دیگری مقصودشان است بعد معلوم شد که مقصودشان همین کمیسیون قوانین مالیه بوده است اینستکه ناچار شدیم که مذاکرات کمیسیون قوانین مالیه را بطور مختصر عرض کنم بطوریکه در راپورت کمیسیون ملاحظه فرمودید کمیسیون عقیده در باب خرید اسلحه نداده است قید کرده است که انتخاب نوع اسلحه و قیمت آن بسته است بتصویب و نظر کمیسیون نظام و کمیسیون بودجه که معین کند فقط همینقدر گفته شد که عجاتاً یازده هزار تفنگ و یازده میلیون فشنگ قیمتش را معین کنند و نوع او را انتخاب نمایند و مذاکره خرید این هفت هزار تفنگ در آنجا نبوده است و بنده حالا عرض نمیکنم که این تفنگها بد است یا اینکه لازم نبوده است بنده تفنگ نیشناسم شاید خیلی خوب است و کار خوبی باشد لکن چون کمیسیون تصویب نکرده و در این کار شرکت نداشته است میخواستم که در تشکر هم شریک نباشد.

رئیس - یکمطلبی بنده داشتم و آن این است که بنادسه ساعت و نیم قبل از غروب آفتاب جلسه ما منعقد بشود و برعکس چندروز است بنده می بینم که سه ساعت الاربع جلسه منعقد میشود و نیمساعت هم تنفس میشود اغلب دوساعت بیشتر کار نمیکنیم استدعا میکنم که بعد از این مراقبت شود که سه ساعت و نیم قبل از غروب و کلاء حاضر بشوند که لااقل مجلس سه ساعت بغروب مانده افتتاح شود که غروب ختم شود و بیکرهمان طوری که چندروز قبل عرض کردم روز شنبه دوساعت بظهر ما ده هیئت رئیس منتظر مخبرین کمیسیونها هستند که در باب دستور مجلس با آنها مذاکرات شود.

(مجلس سه ربع از شب گذشته ختم شد.)

جلسه ۲۳۵

صورت مشروح روز شنبه ۱۵ شهر

ربیع الثانی ۱۳۲۹

مجلس سه ساعت و چهل دقیقه قبل از غروب بریاست آقای موتمن الملك افتتاح و سه ساعت و بیست دقیقه رسماً منعقد گردید.

صورت مجلس روز پنجشنبه را آقای معاضد الملك قرائت نمودند.

[غائبین جلسه قبل]

حاج امام جمعه بدون اجازه - آقا میرزا ابراهیم خان - دکتر اسمعیل خان - آقا میرزا احمد با اجازه

فناوب - حاج مصدق الممالک - طباطبائی - معز الملك هریک نیم ساعت از وقت مقرر دیر حاضر شدند.

رئیس - آقای حاج وکیل الرعایا راجع بصورت مجلس ملاحظه داشتید؟

حاج وکیل الرعایا - آنچه بگوش بنده خورد راجع بجواب وزیر امور خارجه در باب دخول پلیس در خانه اتباع خارجه اینجا این جور شنیدم که پلیس نمیتواند داخل خانه اتباع روس بشود و حال آن که آنچه بنده در نظر دارم این است که وزیر امور خارجه فرمودند که پلیس بانداشتن يك نفر مأمور از طرف سفارت نمیتواند داخل خانه اتباع خارجه بشود.

رئیس - این جا هم این طور نوشته شده است **معاضد السلطنه** - وزیر امور خارجه نگفت که حکم صادر شده است گفت که باید حالا حکم صادر شده باشد چونکه خودش اینجا نه بود که حکم صادر شده باشد این جا اشتباه شده است.

رئیس - دستور امر و قانون ثبت اسناد شور در بقیه قانون استخدام - کتترات مسیومولیترا ولی چون وزیر عدلیه و مخبر کمیسیون هدایه حاضر نیستند اول شروع می کنیم بقانون استخدام (گفتند صحیح است) - در جلسه گذشته تا ماده چهارم خوانده شد و مذاکرات در آن بعمل آمد حالا ماده پنجم قرائت می شود.

[آقا میرزا ابراهیم ماده پنجم را بمبارت ذیل قرائت نمود]

ماده پنجم - کسانی که بعد از چهار سال خدمت در يك مقام استعداد ارتقاء بمقام عالی تر ندارند وزیر مختار است که باین حد اقل و اکثر مقرری آن مقامی را که دارا هستند بآنان اضافه مقرری دهد.

افتخار الواعظین - در ماده سیم گفتیم که هر کس چهار سال خدمت کرد باید يك درجه ترفیع رتبه باو داده شود و در اینجا می گوید که کسانی که بعد از چهار سال خدمت در يك مقام استعداد ارتقاء بمقام عالی تر ندارند وزیر مختار است که باین حد اقل و اکثر مقرری مقامی را که دارا هستند بآنان اضافه مقرری دهد.

این معلوم است که در آن مقامی که هست او برای آن مقام که مقرری معین گردیده است يك حد اقل و يك حد اکثر بنده عرض می کنم که شاید وزیر به چه مستخدمی در دو سال اول حد اقل و در دو سال آخر حد اکثر مقرری آن مقامی را که دارا است باو بدهد یعنی از حد اقلی که برای مقام آن مستخدم معین شده است حقوق باو بدهد و هی اضافه کنند تا وقتی که رسید به آن حد اکثر حالا اینجا میگوید که در صورتیکه چهار سال تمام شد و استعداد ارتقاء بمقام عالیتر رانداشت ارتقاء مقام که باو داده نمیشود باز اگر گفتند بیشتر که حد اقل و اکثر مقرری مقامی را که استعداد ارتقاء بآن را ندارد در همان مقامی که ممکن است باو داده شود باز یک چیزی بود این را بنده نمی فهمم خوب است آقای مخبر توضیح بفرمایند.

فهم الملك - ترتیب اضافه مقرری را در ماده دیگر اگر ملاحظه بفرمائید بآن میسریم داده شده است که در ابتداء دخول بخدمت حد اقل مقرری آنرا خواهد گرفت و در هر دو سال یکمرتبه بیشتر هم اضافه مقرری داده خواهد شد و در هر مرتبه بیش از ثلث تفاضل قدر اکثر بر اقل داده نمی شود مثلاً فرض بفرمائید که قدر اقل يك مقرری پنجاه تومان باشد و حد اکثر هشتاد تومان آنوقت تفاوت مابین این دو حد سی تومان میشود بعد از دو سال ممکن است ده تومان آنرا اضافه مقرری بآن مستخدمی که دارای مقام آن مقرری است بدهند اما بیشتر از ده تومان رانمیتوانند و همینطور در دو سال دویم حالا اگر يك کسی استعداد داشته باشد که ترفیع رتبه حاصل کند که معلوم است که ترفیع مستلزم اضافه مقرری هم هست ولی اگر نداشته باشد برای این قید در اینجا شده است که این شخص حق گرفتن حد اکثر مقرری مقام خودش را نداشته باشد برای این این قید در آنجا شده است که این شخص حق گرفتن حد اکثر مقرری مقام خودش را نداشته باشد زیرا که حد اکثر مقرری هر مقام بیش از حد اقل مقرری رتبه بالاتر از اوست پس يك همچو شخصی که نمیتواند هیچ خود را بیک مقام عالیتری رساند که مقرری او را حد اکثر مقرری مقامی که در او هست زیاد تر بشود تا وقتی که برای او معین کرده اند این است که تفاوت مابین حد اقل و اکثر مقرری باو داده شود و در حقیقت مثل این است بعد از دو سال بیک مستخدمی که خوب خدمت کرده است اضافه مواجب داده میشود این تصویریکه مفرمائید راجع بعد اقل و اکثر مقرری این شخص همچونست که باو ظلمی شده باشد بلکه همان حد وسط مقام خودش را که مستحق بوده است باو داده است و رعایت حالش هم شده است.

دکتر علی خان - بنده از ابتداء هنوز درست ملتفت نشده ام که کمیسیون این حد اقل و اکثر برای حقوق مستخدمین معین کرده است -- چه علت بوده است برای اینکه ادارات دولتی مکتب خانه که نیست تا اینکه يك کسی استعدادش بیشتر باشد یکی کمتر دیگر اینکه شرایط و وظایفی در نظامنامه معین شده است و پروگرام که مطابق این عمل کرد البته باید که مستخدم آن اداره باشد و این کم و زیاد حقوق امضاء هم بسته بنظر وزیر است یعنی بر فرض که اضافه مقرری لازم باشد که باو داده شود باید بیک ترتیبی باشد که وزیر بداند اگر بنا باشد که در هر مرتبه يك حد اقل و اکثر برای مقرری آن معین بشود دیگر اختیار وزیر را بنده نمی فهمم برای چیست که وزیر هر کس که مایل باشد اضافه مقرری بدهد و کلیه چیزهایی که نظر مالیه در آنها هست بنده اختیار بکنفر رادر آنها جائز نمیدانم کم و زیاد کردن حقوق بایستی با اطلاع و تصویب يك هیئتی باشد بیک نفر وزیر در هر صورت بنده این اختیار دادن بوزیر را میخواهم توضیح بدهم که چه نظر بوده است.

فهم الملك - اما اینکه راجع بتفاوت استعداد فرمودند که در ادارات ممکن نیست این رای مگر در حقیقت خیلی برضد یک چیز واضحی فرمودند بجهت اینکه اداره که دارای صدو پنجاه نفر اعضا در مرکز و ولایات است هیچ نمیتوان گفت که تمام اینها بیک درجه مساوی ترقی خواهند کرد معلوم است یکی بهتر میتواند از عهده خدمت بر بیاید یکی کمتر بعضی اشخاص هستند که استعداد کار معینی را ندارند مثل

اینکه بعضیها دفتر داری را خوب میدانند بعضیها منشی هستند و این ما را هیچ نمیتوان گفت که هیچ تفاوتی بینشان حاصل نمیشود مابین مستخدمین بسا میشود که یکی باشد که کار هم دارد و کار هم میکند و شرایط ابتدائی اینکار را تحصیل کرده است ولی یک طوری هست که استعداد این را که به مقام عالیتری ارتقاء یابد ندارد یکی دیگر ممکن است که زودتر قی می کند اینها یک چیزهایی است که خیلی واضح است اما آنچه را که راجع بعد اقل و اکثر میفرمایند که نباید با اختیار زیر باشد اینجا یک اندازه برای مقرر هر درجه معین شده است و هر قدری که تفاوت میکند حداکثر آنرا هم معین کرده است و در موارد دیگر هم که میرسد درجه اختیار وزیر و دادن اضافه مقرر را بجهت ترتیب تعیین کرده ایم و این حداکثر این حد منتهی حقوقی است که او بتواند درجه بیک مستخدمی بدهد که بودجه آن مجلس خواهد آمد در اینجا اگر خوب ملاحظه فرمائید یک اختیار کاملی بوزیر داده نشده است اینطور است آنچه نوشته ایم که یک میزانی در دست باشد که از آن اضافه نشود حالا در سایر جزئیاتش دیگر محتاج بذکر در قانون نیست برای اینکه گمان ندارم که یک وزیر آنقدر ظرف اطمینان نباشد که اختیار ده تومان اضافه مواجب دادن را نداشته باشد در صورتی که تمام نکات آن را در این جا معین کرده ایم و مثل این است که در حقیقت از مجلس اجازه گرفته باشد که آن اضافه مواجب را بدهد.

هشترودی - بندهم فرمایش آقای مخبر را

هیچ نفهمیدم اشکال بندهم همان بود این در آن مقام که بوده و خدمت کرده و بعد از چهار سال استمداد مقام عالی تر را پیدا نکرده است از فرمایشات مخبر همچو مفهوم می شود که در همان مقام که بوده است باید باشد نهایت بین حداقل و اکثر با اضافه حقوق داده میشود و فرمودند که مستخدمین در هر درجه یک قسم نیستند بلکه یکی کافی می شود یکی ناقص بنده آن ناقص را عقیده ندارم که بعد از چهار سال در آنجا باشد یا اینکه اضافه مواجب باو داده شود و مستخدمی که چهار سال در یک درجه خدمت بکنند ناقص است و کافی نیست بحسب آن ناقصیتش باید حقوقش تفاوت بکند و بنده هم مخالفم بر اینکه وزیر حالا مختار باشد یا نباشد بین حداقل و اکثر همچو مستخدمی اضافه حقوق بدهد.

فهم الملک - گفته نشده است که مقرر

مقام بالاتر بلکه همین مقامی را که دارد باین قدر حداقل و اکثر مقرر آن باو داده می شود و گفته ایم که اگر بعد از چهار سال لیافت ارتقاء بمقام عالی تر را پیدا نکرده است بالاتر نمیرود دیگر در همان مقام خودش که لیافت دارد باقیست و اضافه مقرر مقام او باید داده شود.

هشترودی - بنده همان زیاد را لازم میدانم ولو

هر قدر تصور فرمائید کافی باشد و این اضافه مقرر را که اینجا نوشته اند عقیده ندارم.

حاج وکیل الرعایا - تصور میکنم که در

اینجا یک مختصر اشتباهی شده است که آقای مخبر هم بغوی توضیح فرمودند تصور میکنم که بعد از آنی که استحقاق این را پیدا کرد که وزیر یک اضافه مقرر

باو بدهد آن یک چیز زیادی خواهد بود در صورتی که در اینجا بعد از آنکه تصور فرمائید یک حد اقل و اکثری هم برای مقرر هر مقامی معین شده است که مستخدم در هر درجه هر قدر هم کافی باشد از آن زیاد تر باو داده نخواهد شد و آن چیزی را که مقصود نگارنده این لایحه بوده است تا از مجلس چه بگذرد این بوده است که وزیر در اینجا اختیار داشته باشد که بعد از آنکه استحقاق او را کاملاً فهمید باین حد اقل و اکثر یک چیزی باو بدهد برای اینکه البته آن روزی که وارد آن خدمت شده است حداقل مقرر آنرا داشته است یک قدری روشن تر عرض کنم فرض فرمائید که حداقل مقرر یک خدمت صد تومان است و اکثر صدوسی تومان حالا این قید را در این جا برای این گفته اند که وزیر که بعد از چهار سال پس از آنی که لازم دید صدویست تومان را باو بدهد می تواند باو بدهد می تواند بدهد حالا اگر باین قدر مطلب کسی اعتراضی دارد خوب است آن را روشن تر فرمائید.

حاج شیخ اسدالله - چون آقای مخبر جواب

این اشکال را نداده اند این است که بنده تکرار میکنم فرض فرمائید یک نفر مستخدم در ابتداء خدمت که داخل اداره شده معاون بود یک سال در آن اداره خدمت کرد بعد از آن ترتیبی که مخبر فرمودند داخل اداره دیگری شد ولی در همان اداره بواسطه لیافت شخصی که داشته مرتبه اش را از معاونی بالا بردند و مقام ریاست باو دادند حالا ابتداء خدمتش از معاونی است یا از وقتی که بمقام ریاست رسیده است فرض فرمائید چهار سال در خدمات دولتی مشغول بوده است یکسال معاون بوده است سه سال رئیس این را باید از ابتداء خدمتش را حساب کرد از ابتدائی که داخل خدمت دولتی شده است یا از وقتی که ارتقاء رتبه پیدا کرده است و بمقام عالی تر رفته است و مقصود از اشکال آقای

رئیس - مذاکرات در این ماده کافی است

(گفتند کافی است) ماده ششم قرائت می شود [بعبارة ذیل خوانده شد].

ماده ۶ - ابتداء خدمت مستخدمین از روزی

حساب می شود که رسماً داخل خدمت دولت شده باشند و در موقع ترفیع رتبه با اضافه مقرر از این روز رفتار میشود اعم از اینکه بطور دائم در یک اداره خدمت نمایند یا در ادارات مختلفه مشروط بر اینکه خروج از یک اداره بواسطه تصیر نبوده و دخول در اداره دیگر برضایت و اجازه آن اداره باشد که در آنجا مستخدم بوده است.

بجهت - این اضافه که در مقرر پیدا میشود

قطعی نیست که از روی لیافت باشد ولی اینکه چهار سال خدمت بکنند قطعی است یعنی بدون اینکه چهار سال خدمت بکنند نمی تواند بمقام عالی تری ارتقاء پیدا بکند حالا اگر بواسطه لیافتی که داشته است قبل از گذشتن چهار سال ارتقاء رتبه پیدا کرده است مثلاً اینکه نایب رئیس بوده است در یک اداره حالا در یک اداره دیگری رئیس شده است و با رضایت آن اداره هم خارج شده است و بازم استمداد ارتقاء بمقام عالی تر دارد در اینجا چه باید کرد پس باید از نظر دوجنبه در او ملاحظه بشود یکی از جنبه لیافت شخصیش و یکی ملاحظه خدمت چهار سال و الا ممکن است ده روز قبل از اینکه چهار سال تمام بشود از آن اداره خارج بشود و برود در اداره دیگری بمقام عالی تره آنوقت بعد از آنکه ده روز گذشت و مدت چهار سال تمام شد یک ارتقاء رتبه بخواهد باین جهت این ماده مجمل است خوب است آقای مخبر توضیح فرمائید.

فهم الملک - این شرط که اینجا در آخرین

ماده قید شده است که مستخدمی که در یک اداره مستخدم است اگر بنا شد خارج بشود و داخل اداره و خدمت دیگری بشود باید رضایت نامه از آن اداره داشته باشد و خروجش بواسطه تصیر نباشد برای همین است که مستخدمینی که در هر یک از ادارات

وزارت خانه ها هستند مثل زنجیر متصل بهم پیوسته باشند و از روزی که داخل خدمت می شوند ترفیع رتبه حاصل بکنند مثلاً کسی که چهار سال خدمت تمام شده است و ترفیع رتبه پیدا کرده است حالا می رود با اداره دیگری آنوقت از آن اداره که او بوده است باید بیاید تحقیقات بکند در درجه خدمت او را بخوانند که چند مدت خدمت کرده است و ترفیع رتبه را که حاصل کرده است چه بوده است و اطلاعات او چیست و از همانجا مثل اینکه در اداره خودش بوده است بگیرند پیش بروند و در واقع این مانند خدمت او خواهد بود و در هر جا و هر اداره محفوظ است و بهمان ترتیب با او رفتار خواهند کرد.

حاج شیخ اسدالله - چون آقای مخبر جواب

این اشکال را نداده اند این است که بنده تکرار میکنم فرض فرمائید یک نفر مستخدم در ابتداء خدمت که داخل اداره شده معاون بود یک سال در آن اداره خدمت کرد بعد از آن ترتیبی که مخبر فرمودند داخل اداره دیگری شد ولی در همان اداره بواسطه لیافت شخصی که داشته مرتبه اش را از معاونی بالا بردند و مقام ریاست باو دادند حالا ابتداء خدمتش از معاونی است یا از وقتی که بمقام ریاست رسیده است فرض فرمائید چهار سال در خدمات دولتی مشغول بوده است یکسال معاون بوده است سه سال رئیس این را باید از ابتداء خدمتش را حساب کرد از ابتدائی که داخل خدمت دولتی شده است یا از وقتی که ارتقاء رتبه پیدا کرده است و بمقام عالی تر رفته است و مقصود از اشکال آقای

رئیس - مذاکرات در این ماده کافی است

(گفتند کافی است) ماده ششم قرائت می شود [بعبارة ذیل خوانده شد].

ماده ۶ - ابتداء خدمت مستخدمین از روزی

حساب می شود که رسماً داخل خدمت دولت شده باشند و در موقع ترفیع رتبه با اضافه مقرر از این روز رفتار میشود اعم از اینکه بطور دائم در یک اداره خدمت نمایند یا در ادارات مختلفه مشروط بر اینکه خروج از یک اداره بواسطه تصیر نبوده و دخول در اداره دیگر برضایت و اجازه آن اداره باشد که در آنجا مستخدم بوده است.

بجهت - این اضافه که در مقرر پیدا میشود

قطعی نیست که از روی لیافت باشد ولی اینکه چهار سال خدمت بکنند قطعی است یعنی بدون اینکه چهار سال خدمت بکنند نمی تواند بمقام عالی تری ارتقاء پیدا بکند حالا اگر بواسطه لیافتی که داشته است قبل از گذشتن چهار سال ارتقاء رتبه پیدا کرده است مثلاً اینکه نایب رئیس بوده است در یک اداره حالا در یک اداره دیگری رئیس شده است و با رضایت آن اداره هم خارج شده است و بازم استمداد ارتقاء بمقام عالی تر دارد در اینجا چه باید کرد پس باید از نظر دوجنبه در او ملاحظه بشود یکی از جنبه لیافت شخصیش و یکی ملاحظه خدمت چهار سال و الا ممکن است ده روز قبل از اینکه چهار سال تمام بشود از آن اداره خارج بشود و برود در اداره دیگری بمقام عالی تره آنوقت بعد از آنکه ده روز گذشت و مدت چهار سال تمام شد یک ارتقاء رتبه بخواهد باین جهت این ماده مجمل است خوب است آقای مخبر توضیح فرمائید.

فهم الملک - این شرط که اینجا در آخرین

ماده قید شده است که مستخدمی که در یک اداره مستخدم است اگر بنا شد خارج بشود و داخل اداره و خدمت دیگری بشود باید رضایت نامه از آن اداره داشته باشد و خروجش بواسطه تصیر نباشد برای همین است که مستخدمینی که در هر یک از ادارات

فهم الملک - این ترتیب اسباب برهم خوردن ترتیب اداره می شود که مستخدمین چه روز برضایت میل خودشان بروند در یک جایی خدمت بکنند و تمام مدت گذشته را هم جزء خدمت دولت محسوب نمایند کلیه مدت خدمت محسوب میشود در هر اداره که باشد حالا اگر خوب است اگر یک مستخدمی از اداره خارج بشود و برود با اداره دیگری ممکن است اجازه بگیرد ولی آنطوری که فرمودند اگر استعفا بدهد و برگردد و برود با اداره دیگری ممکن است اجازه بگیرد ولی آنطوری که فرمودند اگر استعفاء بدهد و برگردد با اداره دیگری قبول خدمت بکنند مدت خدمت از آن روزی محسوب میشود که داخل آن اداره شده است ابتداء دخول وقتی محسوب می شود که رضایت نامه و اجازه از آن اداره اولی گرفته باشد و اگر اینطور نباشد اسباب برهم خوردن گوی ترکیب ادارات خواهد شد.

رئیس - مذاکرات کافی است [گفتند صحیح است] می گذریم بماده هفتم (بعبارة ذیل قرائت شد)

ماده (۷) کسانی که بخدمت دولت داخل می شوند باید بمرام مذهبی قسم یاد کنند که بدولت و ملت خیانت نخواهند کرد و در پیشرفت آنچه صلاح و صرفه مملکت و ملت است سعی و جاهد خواهند بود و زراء در حضور همایونی و سایر مستخدمین دولتی در حضور وزیر یا رئیس اداره خود قسم یاد می کنند.

بجهت - بنده موضوع این قسم را ناقص می

دانم بجهت اینکه صرفه و صلاح مملکت را اگر ما بخواهیم ملاحظه بکنیم که مستخدم قسم بخورد شاید یک مستخدمی صلاح مملکت را برضد قوانین موضوعه بداند و آن جایی است که پای مسلک و شیلی چیزها میان می آید باید گفت که مطابق قوانین موضوعه آنچه را که صرفه و صلاح مملکت بداند در پیشرفت آن سعی و جاهد باشد و الا اگر همین طور بگوئیم که در پیشرفت آنچه که صرفه و صلاح مملکت است سعی و جاهد باشد آنوقت صلاح و صرفه راه رگس مطابق نظر خودش تصور می کنند و بسامی شود که هر چند قوانین مملکتی هم باشد و او مجبور است بموجب این قسم مطابق عقیده خودش عمل نماید بجهت اینکه صلاح مملکت را این جور می داند و باینست که مخالفت بکند با قوانین پس مطابق قوانین موضوعه لازم است که نوشته بشود.

رئیس - دیگر کسی اجازه نخواسته است

معلوم می شود مخالفی نیست

ماده هشت قرائت می شود (از فراد ذیل

خوانده شد).

ماده (۸) مقامات و درجات خدماتی که ممکن

است در ادارات مرکزی وزارت خانه ها وجود داشته باشد بترتیب ذیل بوده و لزوم هر یک از این مراتب در وزارت خانه ها باید بعد از شور در مجلس شورای دولتی و هیئت وزراء بموجب فرمان همایونی در نظامنامه داخلی معین شود و هرگاه خدمت جدیدی در وزارت خانه لازم شود که در جزء مراتب ذیل اسمی از آن برده نشده پس از شور در مجلس شورای دولتی و هیئت وزراء آن خدمت اجداد شده و نظر

باهیت و زحمت آن خدمت با یکی از درجات ذیل تطبیق میشود - مادامی که مجلس شورای دولتی تشکیل نشده است فقط تصویب هیئت وزراء کافی خواهد بود

(۱) معاون اداری که تا حال مدیر کل بوده است (۲) مدیر کل [۳] رئیس کل [۴] - رئیس اداره [۵] رئیس شعبه [۶] نایب رئیس اداره [۷] رئیس دایره [۸] نایب رئیس دایره [۹] دبیر اول و دوم [۱۰] منشی اول و دوم و سیم (۱۱) ثبات و ضابطه.

شیبانی - اینجا درجات را به یازده تقسیم کرده اند

و در صورتی که تصور می کنم که یازده مرتبه خیلی زیاد است و اینقدر دایره را نباید وسعت داد در صورتی که وزارت خارجه درجات را بهشت قسمت کرده است و البته اهمیت وزارت خارجه هم بیشتر از سایر وزارت خانه ها است و در صورتی که آنها بهشت قسمت کرده اند سایرین نباید زیادتر قسمت بکنند برای اینکه هر چه اداره و دایره زیادتر شد تولید خرج می کنند اینجا بنویسند مدیر کل و رئیس کل و رئیس اداره اینها هم بنظر بنده هیچ سمتی ندارد یکیش فرضاً کافی است یا دو تا و نیز منشی هم هر یک معنی دارد و یکیش هم کافی است و این استمداد زیادی را که در اینجا گفته اند جز تولید خرج هیچ فایده ندارد

فهم الملک - اینجا استعفا می کنم

که آقایان اول توضیح ماده را از مخبر کمیسیون به خواهند بعد ایراد کنند این درجات زیاد نیست

بجهت اینک لازم نیست که این یازده درجه یا ۱۲

درجه که نوشته شده است هر وزارت خانه تمام اینها را دارا باشد آن مقرراتی که در شور کل این قانون شد که این قانون مخصوص ادارات مرکزی است و بولایات تعلق نمی گیرد تمام آن مذاکرات بایستی که در این ماده بشود بجهت اینکه این قانون از ابتداء تا اینجا چنانچه ملاحظه فرمودید مخصوص ادارات مرکزی نیست برای کلیه مستخدمینی است که داخل در خدمت دولت میشوند ولی این درجات اسمش برای ادارات مرکزی است چرا بجهت اینکه معلوم است یک وزارتخانه که یازده نفر مستخدم دارد یازده درجه که برای اینها معین نمیکند بلکه مراتب این یازده نفر را بیک عده درجه معین میکنند

بهر اسمی که میخواهند مثلاً میگویند اول دویم سیم

چهارم پنجم یا اینکه میگویند فرضاً معاون - مدیر کل - رئیس کل - منشی یا اینکه اینطور اسم میگذارند سفیر - شازدافر - ژنرال - مستشار و غیره یا درجات نظامی اسم میگذارند بعد مستخدمین آنوزارتخانه را تطبیق میکنند با یکی از آن درجات و مقرر می کنند برای آنها معین میکنند درجات یک چیزی هر کدام باید بروند یک نظامنامه برای ترتیب جزئیات امور اداری خودشان بنویسند و یکی از مواد نظامنامه داخلی آنها خواهد بود که فرضاً در وزارت مالیه مستخدمین آن دارای دو طبقه هستند مستخدمین ولایات و مستخدمین ادارات مرکزی آنوقت از روی این معینند که چقدر لازم دارد مثلاً اگر رئیس

کل لازم دارد که می نویسد والا نمی نویسد بنظر سایر مراتب حالا باید دانست که مرتبه رئیس کل چیست - رئیس کل یک چیزی نیست که بهر کسی بخواهند بگویند رئیس کل برای اینکه رئیس کل یک اختصاصاتی دارد و تقریباً اختیارات باید داشته باشد که فرضاً امروز یک اداره است که رئیس کل آن باید یک تسلط مخصوص نسبت به مأمورین ادارات خودش داشته باشد و اطلاعات او نسبت به اداره خودش بیشتر است نسبت به مدیر کل است فرضاً که ملاحظه فرمائید اختیارات او نسبت به اداره خودش بیشتر نیست یعنی آن اختصاصاتی را که (ادمستر) دارد بیش از آن چیزی نیست که (در کتر ژنرال) دارد مثلاً وزارت فواید عامه یک وزارتخانه بزرگ است که حالا جزء شده است و ممکن است یک وقتی از برای او یک ریاست کلی قرار بدهند همچنین اداره وزارت پست و تلگراف یک اداره بزرگی است که ممکن است یک روزی هر یک از آنها را یک وزارتخانه قرار بدهند آنوقت برای کلیه ادارات آنها ممکن است یک رئیس کلی معین بکنند ولی مدیر کل برای اداره ایست که کوچک تر از آن اداره است که رئیس کل دارد که (ادمستر) است مثلاً اداره پست امروز یک مدیر کل لازم دارد همچنین اداره فواید عامه ولی ادارات پست و تلگراف یک رئیس باید داشته باشد حالا آن وزارتخانه اگر لازم بدانند می نویسد یک نفر رئیس کل آنوقت مدیر کل و رئیس شعبه و غیره جزء آن می شود اما آنچه راجع به وزارت امور خارجه فرمودند که مراتب خدمت در آنجا بهشت مرتبه قسمت شده است وزارت امور خارجه هنوز هیچ رئیس کل در اداره خودش ندارد و همچنین مدیر کل ندارد مثلاً یک اداره مثل اداره پست یا تلگراف امروز مدیر کل ندارد پس وقتی که گفتیم مدیر کل ممکن است بعضی ادارات داشته باشند و ممکن است نداشته باشد و اگر هم داشته باشد باقی رؤساء شعبه هستند همچنین رئیس اداری بعضی از ادارات ممکن است داشته باشد و بعضی ممکن است نداشته باشد هر کدام هر چه لازم دارند بنویسند و در نظامنامه های خودشان آن درجاتی را که لازم دارند معین میکنند و بهمان طوری که عرض کردم اینها اسم درجات مأمورین مرکزی است نه آتھائی که در ولایات هستند در ولایات فرض فرمائید وزارت مالیه چند نفر مأمور خواهد داشت که رتبه آنها رتبه مدیر اول خواهد بود همچنین خراسان فارس و یکی دو نقطه دیگر ده نفر خواهد داشت که رتبه شان رتبه مدیر است و بهر مرتبه نظامنامه داخلی آن اداره که تمام شد حاوی تمام اعضاء اجزاء آنوزارتخانه چه در مرکز چه در ولایات خواهد بود با تطبیق درجه آنها با یکی از این درجات که در اینجا نوشته شده است و برای اینکه در آن وزارتخانه که درجات معین میشود ملاحظه اشخاص نشده باشد آنرا می برند و هیئت شورای دولتی که در آنجا در آنها نگاه بکنند و توضیحات بخواهند که این مقامات و درجات که بآنها داده شده است با کمال بیطرفی نوشته شده است یا خیر آنها که تصویب کردند میباید با مضاف ثبات سلطنت پادشاه

میرسانند این ترتیبی است که از برای ادارات هست مجلس هم بطور غیر مستقیم در آن نظر دارد و آن از راه بودجه است که وقتی بودجه اش را میاورند می بیند که نوشته اند فلان رئیس کسل آنوقت میگوید این اداره ریاست کل لازم ندارد و حقوق مدیریت کل با مراتب دیگر را باو میدهند و بالاخره مجلس از راه بودجه نظامنامه داخلی آن وزارتخانه را ملاحظه میکند و اینجاست که ملاحظه فرمائید برای منشی سه درجه است لکن این درجات مابین دیگر حداقل و اکثر ندارد و درواقع ترفیع رتبه و اضافه حقوق را وقتی که لایق شد یک مرتبه باو داده میشود بجهت اینکه درواقع این سه درجه یک شنبه محسوب می شود و لکن برای اینکه حداقل و اکثر ندارد سه درجه نوشته شده است حالامکن است که وزارتخانه ها یکی دارای پنج درجه باشد از این درجات و یکی دارای سه درجه از آنها و یکی که باشد کمتر دیگر حتم نیست که هر وزارتخانه باید تمام این درجات را دارا باشد .

مشیر حضور - بنده تصور می کنم که اگر چنانچه این قانون از مجلس بگذرد یک بهانه بدست وزراء اجزاء ادارات خواهد آمد و اجزاء ادارات را حالا هم که شورای دولتی نیست زیاد خواهند کرد پس خوب است که از حالا این هفت وزارت خانه را که ما داریم اعضایش را معین بکنیم که بی جهت زیاد نکنند .

فهمیم الملک - اجزاء ادارات وزارت خانه هارامانی توینم تعیین بکنیم مادرجات خدمات آنها را معین میکنیم بعد بودجه آنها خواهد آمد بمجلس و اسکی ما اینجا نوشته ایم که باید با تصویب هیئت وزراء زیاد بکنند و همینقدر کافی است و الا تا الان که اعضا زیاد کردند یا نکردند مگر به امضای مجلس بوده است که بعد از این با امضاء او باشد ترتیب تعیین مراتب امضاء ادارات ربطی به مجلس ندارد اگر نظر تان باشد در قانون محاسبات عمومی که رای داده شد باین که در موقع گذراندن بودجه باید فصل بفصل رای داده شود بیشتر مقصود این بوده جزئیات از دفتر دارو منشی نیاید در مجلس مطرح مد کرده بشود . سابق کلماتی برای ترتیب ادارات وزارت خانه ها باید بنویسیم دیگر سایر جزئیات آن راجع به هیئت وزراء و شورای دولتی ربطی بمجلس ندارد داخل مدارا کرده آن بشود .

آقا محمد - در این فقره استخدام برای خدمت جدید یک ترتیبی در اینجا معین کرده است که بنظر بنده خالی از اشکال نیست نوشته است که نظر با اهمیت و زحمت آن خدمت با یکی از درجات ذیل تطبیق میشود - فرضاً اگر مرتبه باشد که بالا تر از همه اینها باشد چه خواهند کرد پس همین عبارت که نظر با اهمیت خدمت و زحمت درجه افز برای او معین می شود اگر نوشته شود کفایت می کند والا اینکه با یکی از درجات ذیل تطبیق میشود بی محل است .

فهمیم الملک - اجزاء ادارات وزارت خانه هارامانی توینم تعیین بکنیم مادرجات خدمات آنها را معین میکنیم بعد بودجه آنها خواهد آمد بمجلس و اسکی ما اینجا نوشته ایم که باید با تصویب هیئت وزراء زیاد بکنند و همینقدر کافی است و الا تا الان که اعضا زیاد کردند یا نکردند مگر به امضای مجلس بوده است که بعد از این با امضاء او باشد ترتیب تعیین مراتب امضاء ادارات ربطی به مجلس ندارد اگر نظر تان باشد در قانون محاسبات عمومی که رای داده شد باین که در موقع گذراندن بودجه باید فصل بفصل رای داده شود بیشتر مقصود این بوده جزئیات از دفتر دارو منشی نیاید در مجلس مطرح مد کرده بشود . سابق کلماتی برای ترتیب ادارات وزارت خانه ها باید بنویسیم دیگر سایر جزئیات آن راجع به هیئت وزراء و شورای دولتی ربطی بمجلس ندارد داخل مدارا کرده آن بشود .

آقا محمد - در این فقره استخدام برای خدمت جدید یک ترتیبی در اینجا معین کرده است که بنظر بنده خالی از اشکال نیست نوشته است که نظر با اهمیت و زحمت آن خدمت با یکی از درجات ذیل تطبیق میشود - فرضاً اگر مرتبه باشد که بالا تر از همه اینها باشد چه خواهند کرد پس همین عبارت که نظر با اهمیت خدمت و زحمت درجه افز برای او معین می شود اگر نوشته شود کفایت می کند والا اینکه با یکی از درجات ذیل تطبیق میشود بی محل است .

فهمیم الملک - اجزاء ادارات وزارت خانه هارامانی توینم تعیین بکنیم مادرجات خدمات آنها را معین میکنیم بعد بودجه آنها خواهد آمد بمجلس و اسکی ما اینجا نوشته ایم که باید با تصویب هیئت وزراء زیاد بکنند و همینقدر کافی است و الا تا الان که اعضا زیاد کردند یا نکردند مگر به امضای مجلس بوده است که بعد از این با امضاء او باشد ترتیب تعیین مراتب امضاء ادارات ربطی به مجلس ندارد اگر نظر تان باشد در قانون محاسبات عمومی که رای داده شد باین که در موقع گذراندن بودجه باید فصل بفصل رای داده شود بیشتر مقصود این بوده جزئیات از دفتر دارو منشی نیاید در مجلس مطرح مد کرده بشود . سابق کلماتی برای ترتیب ادارات وزارت خانه ها باید بنویسیم دیگر سایر جزئیات آن راجع به هیئت وزراء و شورای دولتی ربطی بمجلس ندارد داخل مدارا کرده آن بشود .

اول تا هفت با رعایت شرایط مقررده بموجب فرمان همایونی از درجه هشت تا یازده بر حسب حکم وزیر خواست بود .

معزز الملک - اظهارات بنده در ماده ۹ راجع است بماده هشت چون در آن پیشنهادی که بنده کرده بودم بطور دیگر نوشته بودم پیشنهاد کرده بودم که این درجات هشت مرتبه باشد و اگر آن پیشنهاد پذیرفته شود عزل و نصب از درجه اول تا پنج با رعایت شرایط مقررده بموجب فرمان همایونی و از بعدش تا آخر درجات با وزیر خواهد بود باین جهت است که تا وقتی که آن پیشنهاد خوانده نشود بنده نمی توانم در این موضوع اظهاری بکنم .

رئیس - در جلسه آینه در آن خصوص رای میگیریم دیگر کسی در این باب اجازه نخواسته است حالا اگر مجلس موافق است بقیه این قانون بماند و در بقیه قانون ثبت اسناد و بقیه دستورات و موزی مذاکره شود (گفتند صحیح)

رایورت که سیون عدلیه راجع بموادیکه درین شور دویم بکمیسیون رجوع شده بود و موادیکه شور دویم آنها باقی بوده بمبارت ذیل قرائت شد موادیکه از قانون ثبت اسناد بکمیسیون عدلیه برگشته بود بموادیکه شور دویم آنها مانده و از تاریخ فوق بحضور وزیر عدلیه و حضور آقای مدرس دامطلبه و جناب آفایشخلمی شیرازی و این بنده ابراهیم زنجانی بترتیب ذیل اصلاح شد ارماده هشتم الی ماده سیزدهم که متعلق بوجه الضمانه است صلاح در حذف آنها دیده شد بملاحظه عدم اقتضا حال اینکه هر داده قانونی برای وجه الضمانه عموم مستخدمین وضع شود شامل مستخدمین اداره ثبت اسناد خواهد شد .

آقای میرزا ابراهیم خان - در این رایورت کمیسیون میگویند که ارماده هشتم بماده سیزدهم که راجع بوجه الضمانه بر داشته شد تا هر گاه لازم شد قانونی برای تضمین مستخدمین دولتی وضع شود این چند ماده هم جزء او بشود بار اگر این کلمه هر گاه نوشته نشده بود بنده شاید ساکت بودم و عرض نمی کردم زیرا این کلمه هر گاه میفهمانه که ممکن است همچو قانونی برای مستخدمین دولتی وضع نشود بنده بکلی مخالفم با اینکه کلمه قانون ثبت اسناد را همه افایان ملاحظه فرموده اید و بدیده که میخواستیم اداره در این مملکت برقرار کنیم اولاً برای اعتبار دادن اسناد و ثانیاً بتوسط تصویب این مواد اعتبار دادن باداره ثبت پس اگر چنانچه امضاء این اداره یعنی آنکسانی که عایدات این اداره پیش آنها جمع میشود هیچ قسم ضمانتی بدولت ندادند باشند بنده هیچ طور نمی توانم تصویب بکنم که عایدات این اداره پیش آنها جمع شود اشخاصی که حافظ بیت المال ملت هستند گذشته از آن معلومات شخصی از برای حفظ مناسبات و لزوم اداری لازمست که اداره خودشان را از آتیه خودشان مطمئن کرده باشند شنبه نیست که وزارت عدلیه مقصودش از گرفتن یک وجه الضمانه تضمینی در استخدام نیست پیش از

وقت هم هیچ ثابت نمیشود که این وجه الضمانه را ما میگیریم از برای اینکه اگر او خلاف کرد ما او را جریمه کنیم بلکه یک وسیله تحدیدی و نامینی است برای کسیکه این وجه الضمانه را داده است و یک محرک داخلی هست و او را منع میکند که مرتکب خطا و خطا بشود و یک حس اداره بر این ها پیش خواهد آورد که در وسای دوائر رامطمئن خواهد کرد که اگر پنج تومان فلان صندوقدار از عایدی و ابواب جمعی خودش کسر آورده و چه وسیله آنوجهی که شاید عاید بیت المال مملکت بود از او میگیریم و بنده بکلی مخالفم با اینکه این چند ماده وجه الضمانه از این قانون ثبت اسناد خارج بشود ما اگر چنانچه قانونی از برای تضمین صاحبان جمع و مباشرین دولتی وضع خواهیم کرد و مقرر خواهیم داشت چه ضرر دارد که پنج ماده هم راجع به ثبت اسناد در قانون ثبت اسناد معین کرده باشیم و نگوییم یک وقتی از برای اداره مالیه هم معین خواهیم کرد و اگر معین نخواهیم کرد که معلوم است هیچ وقت نمی خواهیم بطور سخت مرتب و منظم شده باشد و بنده در اینجا چون آقای مخبر تشریف نداشتند خیلی مشغول خواهیم شد که حضرت آقای مدرس که تشریف داشته اند و شاید هم پیشنهادی کرده اند برای حذف آن مواد که دلایلی دارند از برای قناعت بنده خواهند فرمود .

آقای محمد - بنده در فرمایش آقای آقا میرزا ابراهیم خان عرضی داشتم راجع به بیت المال که در ضمن بیانات خودشان فرمودند که صحیح است که خزانه دولت راجع بمثل است ولی در آنسال و اصطلاحی که وضع شده است راجع بخزانه دولت وضع نشده است و بنده این را در می گویم و نمی توانم بشنوم .

حاج آقا - بنده کاملاً موافقم با رایورت اول کمیسیون که این هشت ماده باید باشد و تمام فرمایشات آقا میرزا ابراهیم خان را تصدیق می کنم و علاوه بر اینکه راجع بمالیه ملت و دولت فرمودند باید آنکسیکه این مالیه دولت است و یک وجه الضمانه هم بدهد علاوه بر این یک خصوصیت دیگری هم دارد که باید انسان مطمئن باشد که مالی را ازدولت میگیرد مصون و محفوظ بماند همان ترتیبیکه در قانون ثبت اسناد خوانده شد علاوه بر این عرض می کنم که این مخصوص بمالیه دولت نیست یعنی این وجه الضمانه برای تضمین مالیه دولت نیست برای خسارت بر اموال مردم هم هست که در ماده هشت اگر ملاحظه فرمائید می نویسد (مباشرین ثبت باید قبل از مباشرت بشغل خود مبلغی بعنوان وجه الضمانه برای ادای خسارات وارد بر اشخاص و جزایای نقدیه که در صورت تخلف مباشرین ثبت از وظایف خود بدهند آنها وارد می آید در صندوق محکم ابتدائی محل تودیع نمایند و مقدار آن مبلغ را وزیر عدلیه بموافقت وزیر مالیه در داخله معین خواهد کرد پس دو نظر در اینجا هست یکی راجع بمساراتیکه باشخاص وارد می شود مثلاً راجع بامانات مردم یکی راجع بمالیه دولتی پس تنها راجع بمالیه دولتی نیست راجع باشخاص هم هست و نمی شود در آنها مسامحه بکنیم چون بعضی اوقات راجع میشود با مانا تیکه پیش مباشر ثبت گذشته اند

و اینکه ما اینها را می گذاریم از برای اینکه هر وقت از برای کلیه صاحب جمعهای دولتی یک قانون نوشتیم آنوقت در ضمن این مواد هم باشد این میشود بجهت اینکه در صاحب جمعهای دولتی بواسطه اینکه آن یک وجه الضمانه کلی لازم دارد شاید دچار اشکالات دیگر شویم و اینجا در خصوص مباشرین تقدیرها وجه الضمانه لازم ندارد چون جمعش جزئیست باید باشد علاوه از برای تأمین حقوق اشخاص دیگر است در اینجا این وجه الضمانه و در خصوص مباشرین دولتی از برای تأمین و تضمین وجوه دولتی است تصور خود باشخاص نمی شود .

آقای سید حسین مدرس - این مطلب خیلی مذاکره شد جهت اشکال همین لفظی است که بیان کردند از باب عدم اقتضای حال است مقصود این است که نه این همه که اشکال دیگری داشته که راجع بنظر بنده بوده است همچو صلاح دیدند که امروزه مملکت در خصوص این مواد این اقتضای را ندارد اگر بطور کلی یک وجه الضمانه برای کلیه صاحب جمعهای دولت تعیین شود اینهم یکی از آنها باشد نکته این بود و اما آن آن بیانی که آقای حاج آقا فرمودند در باب خسارات خواهد آمد که خساراتیکه وارد میشود بر مباشرین منحصراًست با آن وجهیکه از برای ثبت اسناد گرفته است و اسناد را ثبت کرده است و آن خسارات آنقدرها اقتضا ندارد که یک بول نقدی در صندوق بگذارد خصوص حالاً که نمی دانم ترتیب صندوقها چه قسم است .

رئیس - مذاکرات کافی است .
حاج آقا - کافی نیست عرضی دارم .

رئیس - اگر بخواهیم مذاکره کنیم ۱۲ نفر قبل از سر کار اجازه خواسته اند پس رای میگیریم در اینکه مذاکره راهم باین کافی می دانند یا نه باینند کسانی که مذاکره را کافی میدانند قیام نمایند - مذاکرات معلوم می شود کافی نیست آقای افتخار الواعظین فرمایند .

افتخار الواعظین - اینجا بنده از برای اینکه فرمایشات آقای میرزا ابراهیم خان و آقای حاج آقا را تکرار نکنم عرض می کنم که آقای مدرس فرمودند اگر چنانچه در رایورت کمیسیون نوشته شده است باقتضای حال بوده است بنده عرض می کنم بلکه اقتضای حال اینست که وجه الضمانه را بدهد برای اینست که امروز باید ملاحظه حال مردم و وضع مردم را بکنیم مردم وقتی مطمئن خواهند شد که به بینند ملاحظه عموم شده است .

وقتی رجوع خواهند کرد باداره ثبت اسناد که بیینند علاوه بر آن وظایفی که اینجا معین شده است برای مباشر ثبت اسناد علاوه از وظایف دولت یک وجه نقدی هم از او گرفته است و در صندوق گذاشته است که اگر بکسی خسارت وارد بیاید آن پول را دولت در ازای خساراتی که بآن اشخاص وارد آورده است خواهد داد که اسباب زحمت آنها هم نشود اینهم از یک طرف اسباب اطمینان مردم و از یک طرف اسباب اعتبار اداره می شود که بیشتر رجوع خواهند کرد باداره بیشتر اسناد خودشان را

ثبت خواهند کرد و این که می فرمایند مقتضی حال نیست علت عدم اقتضای شاید نظرشان باین باشد که شاید مردمانی باشند که کافی لایق برای اینکار باشد و لکن مکرر بدادن وجه الضمانه نباشد و این اسباب این شود که آنها محروم بمانند از این خدمت این صحیح است اگر چه این یک اندازه مباشرین ثبت را بتضمین خواهد انداخت و کمتر اشخاص هم خواهد رسید برای این اداره لکن اشخاص کمتر هم برسند و مفید باشند بهتر است از یک مردمانی که محل اطمینان مردم نباشند بدون وجه الضمانه وارد شده باشند و بنده عرض می کنم وجه الضمانه چه از برای صاحب جمعهای ولایات تقدی جنس وضع شود یا وضع نشود از برای حفظ مالیات و بیت المال ولی در مورد این اداره بخصوص عرض می کنم که بنده لازم می دانم و یکی از اسبابهای مردم که موجب ابقای این اداره است این وجه الضمانه است .

آقای شیخ علی شیرازی - در شر اول هم بنده مخالف بودم باین وجه الضمانه و عرض کردم اگر بگوئیم که بیست تومان یاسی یا چهل تومان مثلاً پول بدهد برای این که اگر خلائی کرد و خسارتی بکسی وارد آورد آنوقت از آن وجه الضمانه آن خسارت را بدهند بنده عرض می کنم اگر خسارت بیش از آن وجهی شد که بعنوان وجه الضمانه داده است آنرا کی خواهد داد کی از عهد برمی آید و این اسباب این می شود که فقرا محروم می شوند از این کار و آنکسی که این پول هم پول مالیه بیست یک وجه قلبی است که از برای ثبت می گیرند و آنرا هم که مباشر تحویل می دهد چیزی بیش از این نمایند علاوه این وجهی که از او گرفته می شود و بصندوق سپرده می شود ترتیب صندوق معلوم نیست و آقای مشیرالدوله هم تصدیق کردند که اگر این نظر نبود تصدیق می کردم لکن چون این نظر هست منم این نظر را دارم اینقدر را تصدیق فرمودند

معزز الملک - این جادو مسئله است که باید سنجید که کدام یک بهتر است آنوقت آنرا اتخاذ کرد یکی آنست که کسانی که مخالفند با وجه الضمانه میگویند شاید اشخاص قابلی باشند و فقیر باشند که بتوانند وجه الضمانه بدهند آنوقت محروم از خدمت شوند و اینرا هم نباید تصور کرد که این وجه الضمانه ده هزار تومان نخواهد بود که اغلب نداشته باشند یک وجه کمی است که بتوانند از عهد بر آید آنوقت به بینیم فقط برای این که یک عده محروم نباشند چه زحمتی وارد خواهد شد بر ما چون این اداره یک اداره اجباری نیست که مردم مجبور باشند اسناد خودشان را ببرند ثبت کنند یک اداره اختیاری است هر کس مختار است که سند خودش را ببرد ثبت بکند و چون این اداره برای ما نافع است و هر چه از این اداره ترویج زیادتر شود در مملکت البته بهتر است و منافع حالی و مالی دارد و بزرگتر چیزی که می تواند خروج این اداره باشد همان اعتبار این اداره است و این اداره مادام که یک اعتبار کلی

نداشته باشد کسی نخواهد رفت باختیار این اداره نوشته خودش را ثبت کند و چون این اداره ثبت چنانچه در ماده هشتم نوشته شده است بکسارتی ممکن است بر مردم وارد بکند اگر مردم بدانند که بکسارتی در مقابل هست که اگر خسارتی مباشرت با آنها وارد نماید اینها می توانند استیفاء حق خودشانرا از آنوجه بکنند اسناد خودشانرا میبرند ثبت میکنند و مطمئن خواهند بود اما اگر يك وجهی در مقابل نباشد مطمئن نخواهند بود و هیچ نخواهند رفت و در این موقع هیچ قیاس نمی شود کرد مباشرت ثبت را با ما مورین دولتی که پول در دست آنها است مثلا اگر امین مالیه فلان جا یولیرا که در دست دارد بدولت نرساند این يك خسارتی است که متوجه دولت میشود و بهیچوجه منالوجه دولت نخواهد رفت از رعیت بگیرد که این یولیرا ما مورین گرفته است خورده است بمن نداده است این يك ضرری است که ما مور دولت بدولت داده است و در این مورد می توان گفت که تا يك درجه مختار است دولت اگر از ما مور خودش اطمینان دارد وجه الضمانه نکیرد اما در اینجا ممکن است بواسطه خیانت مباشرت يك خسارتی متوجه دیگری بشود مثلا متوجه من بشود یا يك اشخاص دیگری من چه تصمیر دارم که يك خسارتی بمن وارد کنند و آنوقت من ندانم که این خسارت وارد شده من را کی بمن میدهد این خسارت که از مباشر بمن رسیده است دولت که نخواهد داد يك نکته دیگری هم هست که تقریباً می توان گفت روح این ماده از مجلس گذشته است و روح این ماده ای است که می نویسد مرخصی مباشرین ثبت موافق قانون مرخصی مستخدمین دولت و با اجازه رئیس محکمه ابتدائی بعمل میآید ولی بدو باید مباشر ثبت شخص دستکاری را بجای خود معرفی نموده و مالا مسئولیت صحت او را بعهده بگیرد [مالا مسئولیت صحت او را بعهده بگیرد یعنی چه اگر وجه الضمانه نداشته باشد چطور او را تضمین می کند و این ماده که از مجلس گذشته است دیگر چندان اشکال ندارد ما باید قبول کنیم وجه الضمانه را هم گفته اند این ماده هنوز نگذشته است خوب علی ای حال چطور می تواند تضمین بکند و بنده گمان می کردم گذشته است اگر این ماده نگذشته است بنده این را خیلی لازم می دانم و عرض می کنم وجه الضمانه هم يك مبلغ خیلی زیادی نخواهد بود که آن معنی نتواند از عهده برآیند و اگر این مواد برداشته شود بنده گمان می کنم که بزرگتر قدمی است که ما برداشته ایم برای تزلزل اداره ثبت اسناد .

حاج شیخ اسدالله - اینجا گفتند که اعتبار ثبت اسناد بواسطه حق الضمانه است که با داره میسپارد و اگر نسپارد اعتبار ندارد و کسی نمیرود و سندش را ثبت بکند بنده خیلی تعجب کردم از این فرمایش این دخلی بوجه الضمانه ندارد اعتبار اسناد بواسطه آن تمبر دولتی است که بآن سند میخورد رسمیت پیدا می کند و هیچ ربطی ندارد بآن وجهی که مستخدم از بابت وجه الضمانه می سپارد ابداً يك دینارش بآن شخص که سندش رامی آورد ثبت کند ربط ندارد اینجا دو ضرری می توان تصور کرد یکی اینکه در ضمن شاید يك ضرری بصاحب سند وارد بیاید و بنده آن ضرر را غیر از آن پولی که از برای ثبت سند داده است چیز دیگری نمی توانم تصور بکنم و این يك ضرر فوق العاده نیست که يك وجه الضمانه کلی لازم باشد و يك چیز جزئی است یسکی هم آنستکه مباشر ثبت يك خلائی بکند در ثبت که مورد مجازات نقدی بشود اما در مجازات نقدی که اشکالات زیادی داشت مثل اینکه مکرر باینجا آموذو مذاکره شد و مجازات نقدی که مباشر ثبت یا سایر مستخدمین بدهند نمی توان او را تصویب کرد مگر اینکه از حقوقش کسر بشود نه اینکه قبل از اینکه تصمیری از او ثابت شده باشد يك وجهی از او بگیرند و این يك مجازاتی است قبل از وقوع تصمیر این وجهی را که اینجا می خواهند قبل از ثبوت تصمیر بگیرند این باصلاح ضامن مالم يجب است شرطی جایز نیست بجهت اینکه این شخص هیچ تصمیری نگردم است و دارای شرایط هم هست می گویند بیایك مبلغی بعنوان وجه الضمانه بگذار آنوقت مستخدم باش حالا يك شخص دارای آنصفاست مگر در هر طرف اطمینان است عملش هم خیلی خوب است اما پول ندارد حالا از کجا برود يك پولی پیدا کند بیاورد وجه الضمانه بدهد اگر تصمیری کرد که ممکن است از حقوق او کسر گردد در صورتیکه باید مجازات نقدی از او بشود .

و اگر ضرریکه نموده است همان پولیست که صاحبان سند داده اند آنهم مواجیش بقدر آن پول هست از حقوقش بگیرند و این حذفی را که کمیسیون کرده است بنده این را خیلی صحیح میدانم و علاوه بر آن اگر ما بخواهیم این ماده در اینجا تصویب بکنیم کار را کلیتاً می اندازیم بدست صاحبان پول که هر کاری که می خواهند بآن بکنند حالا ما باید يك کاری بکنیم که آنها که فقیر و بی پول هستند و دارای شرایط مقرر هستند و دارای عمل صحیح هستند آنها داخل خدمت شوند فقط آنها که دارای پول هستند آنها داخل خدمت نشوند .

رئیس - گویا مذاکرات کافی باشد [گفتند کافی است] چنانچه عرض کردم رای بحذف نمی توانیم بگیریم چند ماده کمیسیون پیشنهاد کرده بود در رایورت ثانوی خودش مسترد داشته است .

اگر بخواهیم رای بگیریم یا باید در لایحه وزیر رای بگیریم یا باید دیگری آن مواد را اختیار کند و بآن رای بگیریم .

حاج آقا - بنده پیشنهاد کردم ملاحظه بفرمائید .

رئیس - پیشنهاد اینطور نمی شود باید پیشنهاد کرد که من مواد رایورت اولی کمیسیون را پیشنهاد می کنم - حالا آقا میرزا ابراهیم خان پیشنهاد کرده اند قرائت می شود .

(باینمبارت خوانده شد) این بنده موادمشت الی ۱۳ رایورت کمیسیون اولی کمیسیون عدلیه راجع بقانون ثبت اسناد را اختیار می کنم - ابراهیم

رئیس - حالا بمواد ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ رای خواهیم گرفت آقایانی که موافق رای نخواهند داد بخوانند .

(ماده هشت بمبارت ذیل قرائت شد) .

ماده ۸ - مباشر ثبت باید قبل از مباشرت بشغل خود مبلغی بعنوان وجه الضمانه برای اداء خسارات وارده بر اشخاص و جزاهای تقیدیه که در صورت تخلف مباشرین ثبت از وظایف خود بعهده آنها وارد می آید در صندوق محکمه ابتدائی محل تودیع نمایند و مقدار آن مبلغ را باقتضای هر محل وزیر عدلیه با موافقت وزیر مالیه و وزیر داخله معین خواهد کرد .

رئیس - رای میگیریم باین ماده هشت به طوری که خواننده شد آقایانی که موافقت قیام نمایند (رد شد) ماده ۹ را بخوانید .

ماده ۹ - بوجه الضمانه مذکوره در ماده قبل قسمتی از مقرری مباشرین اضافه خواهد شد و مقدار آن را وزارت عدلیه با موافقت وزارت مالیه نظر بمقتضیات محلی تعیین میکنند .

رئیس - رای می گیریم آقایانی که موافقت باین ماده بطوری که خواننده شد قیام نمایند (رد شد) ماده ۱۰ را بخوانید [جمعی اظهار کردند که ماده اولی که رد شد سایر مواد در واقع رد شده است] .

رئیس - سابقاً عرض کردم بازم عرض می کنم آقایانی که مخالفند رای نخواهند داد .

ماده ۱۰ - هرگاه تمام یا قسمتی از وجه الضمانه مباشر ثبت صرف جزای نقدی بشود که بآن مباشر ثبت قانوناً تعلق گرفته است مشارالیه بحکم محکمه ابتدائی موقتاً از شغل خود منفصل و بشغل خود عودت نخواهد کرد مگر اینکه تمام وجه الضمانه یا کسر آن را بصندوق محکمه ابتدائی تسلیم نماید .

رئیس - رای می گیریم آقایانی که موافقت قیام نمایند [رد شد] .

ماده یازدهم را بخوانید .

ماده ۱۱ - مباشرینی که وجه الضمانه خود را در مدت ششماه از انفصال موقتی کاملاً بصندوق محکمه تودیع نکرده اند بکلی از شغل خود منفصل می شوند .

رئیس - رای می گیریم آقایانی موافقت قیام نمایند (رد شد) .

ماده دوازدهم را بخوانید .

ماده ۱۲ - بعد از فوت مباشر ثبت یا بعد از استعفای او از این شغل تمام وجه الضمانه و مبلغی که از مقرری او بوجه الضمانه اضافه گشته بخود یا وارث او بحکم محکمه ابتدائی مسترد خواهد شد ولی این استرداد صورت وقوع نخواهد یافت مگر پس از انقضای شش ماه از تاریخ اعلامی که محکمه ابتدائی نموده اشخاصی را که مطالبات آنها از وجه الضمانه مزبوره باید تأدیه شود دعوت کرده باشد و این اعلام را باید محکمه در مدت يك هفته بعد از فوت یا استعفای مباشر ثبت بنماید .

رئیس - آقایانی که موافقت قیام نمایند

رد شد ماده سیزدهم را بخوانید

ماده ۱۳ - بعد از تأدیه مطالباتی که بوجه الضمانه تعلق گرفته است بقیه وجه الضمانه مسترد قانوناً میشود و هرگاه مطالباتی که از ارتکاب خلاف قانون بمباشر ثبت تعلق یافته بیش از وجه الضمانه باشد از سایر اموال مشارالیه تأدیه می شود .

رئیس - رای می گیریم بماده ۱۳ آقایانی که موافقت قیام فرمایند رد شد - حالا دوقمره پیشنهاد شده است (پیشنهادی از طرف حاج صدق الممالک بمبارت ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد می کنم که در عوض وجه الضمانه قید شود که اشخاص معتبر را کفیل و ضامن بدهند هر نوع خسارتی بر آنها وارد بیاید آن شخص ضامن از عهده بر آید مصدق - الممالک .

رئیس - رای میگیریم باین پیشنهاد آقایانی که موافقت قیام نمایند رد شد - ماده سی رایورت کمیسیون عدلیه را بخوانید (بمبارت ذیل خوانده شد)

ماده ۳۰ - مرخصی مباشرین ثبت اسناد موافق قانون مرخصی مستخدمین دولت و با اجازه رئیس محکمه ابتدائی خواهد بود ولی باید مباشر ثبت در حین مرخصی و همچنین در حال مرضیکه مانع از تصدی شغل است يك نفر را که دارای اوصاف و شرایط مباشر ثبت باشد بمحکمه ابتدائی بجای خود معرفی کرده و مسئولیت اداء خسارتیکه قانوناً بر عهده او است بعهده بگیرد .

حاج سید ابراهیم - بنده گمان می کنم بحسب ظاهر این چیز را که طبع و بین ماها توزیع کرده اند برای این است که اگر ما اشکالی داشته باشیم مخیر کمیسیون در حین مذاکره رفع آن اشکالات را بنمایند یا اگر دیدند چیزی بنظر دیگران رسیده است که صحیح است آنماده را استرداد کنند بکمیسیون و اصلاح نمایند حالا که مخیر کمیسیون حاضر نیست تا آنکه یا رفع اشکال کند یا مسترد دارد اما اشکالیکه بنده در این ماده دارم اینستکه مرخصی مباشرین ثبت را مطابق قانون مستخدمین بارئیس محکمه ابتدائی قرار داده مرخصی مدیران مباشرت ثبت با رئیس محکمه ابتدائی باشد هم ندارد اما مرخصی اعضاء و مباشر ثبت با رئیس محکمه خودشان باید باشد نفهمیدم که چرا اینجا مرخصی آنها را بعهده رئیس محکمه قرار داده است و همانطور که عرض کردم این همانند با حضور مخیر کمیسیون مذاکره شود بهتر است .

وزیر عدلیه - اینجا درست نوشته شده است مباشر ثبت دیگر اجازه ندارد بکنفر است مرخصی او هم بارئیس محکمه ابتدائی است .

حاج شیخ اسدالله - يك قانون مرخصی در تمام ادارات باید داشته شود و آن اینست که در سالی يك مدت معین يك ماه یادو ماه رسم است در تمام دنیا که اجازه ادارات مرخصی میدهند حالا بنده آنرا عرض نمیکنم همین جا را عرض میکنم اینجا

نوشته شده است در صورتیکه مباشر مرض شديک نفر را که دارای شرایط مباشری باشد باید بجای خودش معرفی بکنند آنوقت ضمانت او را هم بکنند خوب بیچاره مباشرت در صورتیکه ناخوش باشد و نتواند کسی را هم جای خودش بگذارد یعنی کسیرا ابداً نداشته باشد و برای هوای نفس هم مرخصی نگرفته باشد جائی هم نرفته باشد مرضی باشد در اینجا بگوئیم بکنفر را بجای خودش بگذارد شاید باید حقوق خودش را هم باین اضافه باو بدهد و ضمانت خسارت او را هم بکند برای اینکه در روز یا يك ماه مرضی است بنده اینرا ابداً تصویب نمیکنم و گمان میکنم مرخصی او هم باید مرخصی قانونی باشد و نباید او را مجبور کرد که بکنفر را بجای خودش بگذارد بلکه باید محکمه ابتدائی بکنفر بجای او بگذارد و حقوق او را هم دولت بدهد .

وزیر عدلیه - اولاً در باب مرخصی البته يك قانونی لازم است که باید از برای کلیه مستخدمین دولتی نوشته شود ولی اگر يك چنین قانونی نوشته نشده است این دلیل این نیست که مانع از مباشر ثبت را معین نکرده باشیم و اینکه تکلیف مرخصی او گذاشته شده است بعهده رئیس محکمه ابتدائی اینهم موافق همان قانون است در قانون مرخصی يك مدتی برای مرخصی تعیین میکنند و همانطور که تعیین میکنند عزل و نصب مالکیت همینطور تعیین میکنند اجازه مرخصی در حدود قانونی با کیست و فوق العاده مالکیت و ما چنانچه گفتیم که رتبه مباشر مطابق است با معاون مدیر دفتر محکمه ابتدائی این قانون کلی است همین که با او هم رتبه شد اجازه مرخصی او هم مطابق اجازه مرخصی او است یعنی با رئیس محکمه ابتدائی است اما در باب ایراد دیگری که گفتند چرا دولت معین نمیکنند عوض مباشر را در مدت مرض مباشر برای اینستکه این يك کاری است که اطمینان و اعتماد کلی لازم است در اینکار وقتیکه مباشر مرضی میشود البته رئیس محکمه نمایانند گیرا معین کنند که مسئولیتش بعهده او باشد و موقتاً معین کند تا وقتی که صحت یافت مباشر آمد سر کار این برویدی کلا خودش و در این مدت بر عهده بگیرد خسارات او را در قانون استخدام تعیین میشود که اگر مدت مرض مستخدم طول کشید و استعفاء نکرد و آن مدت مقرر گذشت آنوقت با طبع مستعفی میشود و چند مرض را در قانون معین میکنند .

رئیس - مذاکرات کافی است رای میگیریم آقایانی که موافقت با ماده سی بطوری که خواننده شد قیام نمایند با اکثریت چهل و نه رای تصویب شده - ماده ۴ - بنحوی که در رایورت کمیسیون سابقاً طبع شده تصویب شد .

(ماده چهل و سه بمبارت ذیل قرائت شد)

مباشرین و مدیران ثبت و معاونین آنها در اداره و در تحت نظارت آن محکمه ابتدائی هستند که در حوزة آن واقفند .

رئیس - مخالفی نیست ؟ رای میگیریم آقایانی که با ماده چهل و سه بطوری که خواننده شد موافقت قیام نمایند - با اکثریت پنجاه و دو رای تصویب شد .

[کمیسیون بموضوع ماده ۶۱ که رد شده بود ماده ۶۱ - وقتی که مباشر ثبت سندی راجع برفع خود یا کسانیکه در تحت ولایت یا رضایت یا قبولت او واقفند یا باو قرابت نسبی تا درجه چهارم یا سببی تا درجه سیم دارند یا در خدمت او هستند ثبت مینمایند باید بمطلعین که در سایر اسناد مقررات دو نفر دیگر که تمهید بوده و اصحاب معامله را میباشناسند منظم کرده با حضور ایشان سند را ثبت کرده با معاضه ایشان نیز برسانند و الا آن ثبت نسبت بواجد و مواردی که برفع اشخاص مزبوره راجع است از درجه اعتبار ساقط است .

حاج سید ابراهیم - بنده در این مقید کردن تا درجه چهارم نسبی را درجه سیم سببی را مخالف هشتم بجهت اینکه همینطوری که سابقاً گفته شد دلیلی ندارد و گذشته از این هم بقدری که راجع برفع خود یا بستگان خود او باشد این کافی است و اگر لفظ قرابت را هم بگذاریم این معلوم است قرابت هم هیچ وقت تا درجه اعلی باقی نخواهد بود حد اعلی باقی نمی ماند همینقدر در قرابتی که مظنه تهمت باشد کافی است

رئیس - رای می گیریم آقایانی که موافقت باماده (۶۱) بطوری که قرائت شد قیام نمایند - با اکثریت ۵۱ رای تصویب شد .

ماده ۶۳ - مباشر ثبت نمی تواند اشخاص را که طرفین یا يك طرف معامله آنها غیر بالغ یا مجنون یا ساقیه هستند یا بواسطه ورشکستگی ممنوع از تصرفند ثبت نماید مگر اینکه ولی آنها ملامه را کرده باشد و همچنین نمی تواند اسنادی را که موضوع معامله آنها از موقوفات یا از مشترکات عمومی یا مجهول المالك را در مدت مرض مباشر برای اینستکه این يك کاری است که اطمینان و اعتماد کلی لازم است در اینکار وقتیکه مباشر مرضی میشود البته رئیس محکمه نمایانند گیرا معین کنند که مسئولیتش بعهده او باشد و موقتاً معین کند تا وقتی که صحت یافت مباشر آمد سر کار این برویدی کلا خودش و در این مدت بر عهده بگیرد خسارات او را در قانون استخدام تعیین میشود که اگر مدت مرض مستخدم طول کشید و استعفاء نکرد و آن مدت مقرر گذشت آنوقت با طبع مستعفی میشود و چند مرض را در قانون معین میکنند .

رئیس - مذاکرات کافی است رای میگیریم آقایانی که موافقت با ماده سی بطوری که خواننده شد قیام نمایند با اکثریت چهل و نه رای تصویب شده - ماده ۴ - بنحوی که در رایورت کمیسیون سابقاً طبع شده تصویب شد .

(ماده چهل و سه بمبارت ذیل قرائت شد)

مباشرین و مدیران ثبت و معاونین آنها در اداره و در تحت نظارت آن محکمه ابتدائی هستند که در حوزة آن واقفند .

رئیس - مخالفی نیست ؟ رای میگیریم آقایانی که با ماده چهل و سه بطوری که خواننده شد موافقت قیام نمایند - با اکثریت پنجاه و دو رای تصویب شد .

از بابت آن عبارت دیگرش که می گوید و همچنین نمی تواند استنادی را که موضوع معامله آنها از موقوفات یا از مشترکات عمومی یا مجهول المالک است این را سابقاً نوشتیم که موادیکه برخلاف قوانین مملکتی باشد نمی تواند ثبت بگردد آن ماده کافی است از برای این موضوع هم هست و هیچ لازم نیست که بگوئیم استنادیکه راجع بموقوفات باشد ثبت نمیشود بجهت این که ممکن است معامله در موقوفات بوجه صحت واقع شود و آن ممکن است معلوم شود در وقت هم بوجه صحت نیست حالاً بگوئیم نمیتواند ثبت کند یعنی مواردیکه شرعاً هم صحیح است یا مطلقاً اگر مقید بکنیم با وجود اینکه مقید نکرده است آنها جهت ندارد و همچنین مجهول المالک مجهول المالک در صورتی که مجتهد جامع الشرایط باشد در صورت اول حاکم شرعی معامله اش صحیح است در این صورت جهت ندارد که بگوئیم نمیتواند استناد آنها را ثبت کند پس در این سر مطلب هیچ لازم نمی دانم که این سه فقره اخیر قید شود در صورتیکه صحیح شرعی قید شود بهمان جمله اولی اکتفا کردن کافی است اگر هم محتاج به پیشنهاد کردن است پیشنهاد می کنم .

رئیس - بنده نباید عرض بکنم که محتاج به پیشنهاد است خودتان اگر لازم می دانید که رای گرفته شود خواهیم پیشنهاد کرد

رئیس - آقای آقا محمد موافق هستید یا مخالف .

آقا محمد - بنده موافقم .

رئیس - بفرمائید .

آقا محمد - این که نوشته شده از ورشکسته و مهجور حکم جا کم ذرع کفایت نمیکند مگر این که ولی آنها اجازه دهد بنده مخالفم برای اینکه جا کم شرع خودش ولی و مهجور مفتش است و حکم هم واجب الاطاعت است و کفایت نمیکند در باب وقف هفت موضوع دارد که بیمش جایز است مطلقاً نباید گفت که مباشر ثبت نباید قبول کند باین دلیل بنده این جمله را لازم نمی دانم و کاملاً رد میکنم .

رئیس - بنده چندین مرتبه عرض کردم که وقتی که سؤال می کنم مخالف هستید یا موافق اینست که با ماده مخالف یا موافق هستید و سرکار فرمودید موافقم بنده معلوم شد که مخالف هستید .

آقا محمد - بنده با آن جمله آخر ماده مخالفم .

حاج شیخ اسدالله - اینکه نوشته شده است - هر گاه در صلاحیت اشخاص شك داشته باشد باید بواسطه سه نفر در اموال منقوله و دو نفر در اموال غیر منقوله تحقیق کرده و مراتب را ثبت نماید بنده این فقره را می خواستم عرض کنم توضیح بفرمائید که آنچه راه فرق گذاشتید اند میان اموال منقوله و غیر منقوله و دیگر اینکه می نویسند از سه نفر در اموال غیر منقوله و دو نفر در اموال منقوله تحقیق نموده و مراتب را ثبت کند ولی آن اشخاص را معلوم نیست که باید اعتماد بآنها داشته باشد آن مباشر ثبت یا نداشته باشد بشناسد یا نشناسد این عبارت خیلی مجمل است بنده عقیده ام اینست که

آن اشخاص را که معرفی می کنند باید مباشر آنها را شخصاً بشناسد و معترف و مقبول القول باشند اینست که اشخاص غیر معلوم باشند که آنها را هم نشناسد چه حالی دارند آنها را بیرند آنها معرفی بکنند باید اعتماد بهم فرین داشته باشد و ثبت بکنند .

رئیس - گویا مذاکرات کافی باشد - يك پیشنهادی حاج سید ابراهیم کرده اند خواننده میشود رای می گیریم (عبارت ذیل خواننده شد)

بنده پیشنهاد می کنم که بعد از لفظ ورشکستگی ممنوع از تصرف است این عبارت زیاد شود بدون مصحح شرعی و بهمین جا ماده ختم شود

حاج سید ابراهیم - عرض کنم بنده يك لفظ (واقع شود) را فراموش کرده ام یعنی اگر با مصحح شرعی است می تواند ثبت کند اینکه عرض کردم و هر گاه در صلاحیت اشخاص شك داشته باشد لازم نیست بجهت اینکه در یکی از مواد ذکر شد « صلاحیت » و رای دادیم و دیگر هیچ لازم بذکر نیست پس بهمین قدر باید اکتفا کرد و این ماده هم محتاج بمذاکره نیست .

(مجدداً بانضمام لفظ واقع شود پیشنهاد مزبور فراتر شد)

آقا شیخعلی شیرازی - عرض میشود که برای ورشکستگی کسی لابد معین می شود که متولی اموالش باشد و حقوق فرما را بدهد اموالش را بفروشد و چیزیکه می ماند برای خودش معین کند همان شخص ولی او است و همین لفظ ولی که اینجا نوشته شده است کافی است .

رئیس - رای میگیریم با اصلاح آقای حاج سید ابراهیم آقایانی که موافقت قیام کنند - رد شد - يك پیشنهاد دیگری آقای افتخارالواظین کرده اند خواننده می شود (عبارت ذیل خواننده شد) [بنده پیشنهادی کنم که لفظ ۳ نفر معتد زیاد شود]

رئیس - توضیح که ندارد آقایانی که این اصلاح را قابل توجه می دانند قیام نمایند اغلب قیام نکردند (رد شد)

رئیس - رای می گیریم بماده ۹۳ آقایانی که موافقت قیام نمایند با کثرت ۴۱ رای تصویب شد

رئیس - ماده ۷۱ - بعد از تنفس خواننده می شود بعد از تنفس ۳ ربع قیام از غروب آفتاب مجدداً جلسه تشکیل شد ماده ۷۱ - عبارت ذیل خواننده شد

وزیر عدلیه - اینجا فقط يك كلمه ثبت افتاده است هر گاه بواسطه تقصیر مباشر ثبت سندی از اعتبار افتاده باشد .

آقا شیخعلی شیرازی - عرض نمیکنم اگر کسی تمسک کسی را بپاره کرد بدهکار همان مدیون خواهد بود و این ضامن نخواهد بود برای پاره کردن آن سند و اما این اشکال هم که گفتند بواسطه تقصیر مباشر ثبت سند این راهم بد خواننده اند (اینطور خواننده میشود)

هر گاه بواسطه تقصیر مباشر ثبت سندی از اعتبار افتاده است و صحیح است .

حاج سید ابراهیم - توضیح همین است که فرموده اند خسارت متعلق بیولی است که گرفته است از برای ثبت مدیون بحال خودش هست سند هم بحال خودش هست آن ثبت از اعتبار افتاده است ثبت بعد از این که خوب نیست پولش را پس می دهد مضمون بحال خود باقی است ثبت خلاف شده است والا سند همان است که طلبکار است .

مجدداً ماده با اضافه لفظ ثبت بطریق ذیل خواننده شد .

ماده ۸۷ - هر گاه بواسطه تقصیر مباشر ثبت سندی از اعتبار افتاده مشارالیه باید بملازم مجازات مقرر از عهده مصارف ثبت آن سند برآید .

حاج سید ابراهیم - بله این ماده پیش که در آن مذکور شده معلوم شد مقصود این است که شخصی سندی را آورده است ثبت کنند و بواسطه تقصیر مباشر از اعتبار افتاده است این مخارجی که بر این وارد آورده است با سایر مخارج دیگر تمام اینها را باید مباشر ثبت از عهده برآید و اینکه اینجا نوشته است از عهده مصارف ثبت آن سند برآید معنی همان اینست که در آنجا نوشته است از عهده مصارف ثبت آن سند برآید

رئیس - رای می گیریم بماده ۸۷ - آقایانی که موافقت قیام نمایند [اغلب قیام نمودند] با کثرت ۵۶ رای تصویب شد .

ماده ۹۳ - نسخه دوم و المثنی و نسخه های دیگر صورت یا سواد را فقط باشخاصی توان داد که حق گرفتن صورت را داشته باشند و این را باید بملازم مجازات مقرر از عهده مصارف ثبت آن سند برآید .

نوشتم حق هر کدام در حال خودش معین است که کسی حق دارد هر کدام حق گرفتن صورت را دارند حق گرفتن المثنی را دارند .

حاج شیخ اسدالله - در تمام اینها و ادبیکه بعد می آید این عرض را که بنده کرده ام توضیح نمیکنم تمام این فرمایشات آقای وزیر عدلیه صحیح است الا اینکه عبارت ناقص است عبارت می نویسد (صورت یا سواد را فقط باشخاصی توان داد که حق گرفتن صورت را داشته نسخه اولیه را گرفته اند) عرض می کنم این عبارت میرساند اشخاصی می توانند این صورت را بگیرند که صورت اول را گرفته باشند این عبارت را اینجا میشود اصلاح کرد که بنویسند حق گرفتن صورت را داشته نسخه اولیه را گرفته اند يك یا اینجا زیاد میشود .

وزیر عدلیه - اینجا یا بوده در طبع سهوشده است يك (یا) لازم است اضافه شود (با اضافه « یا » خواننده شد)

آقای میرزا احمد - منحصراً است کسانی که نسخه اول را میگیرند بجز اول که حق گرفتن صورت را داشته باشند اگر (یا) اضافه شود اینطور میفهماند که يك دسته دیگر هم که نسخه اولیه را گرفته اند حق گرفتن نسخه اول و المثنی را دارند این [یا] این عیب را اینجا می آورد این را اینجا بردارند .

وزیر عدلیه این فقط یا مفادی را نمی دهد برای اینکه آن کسی که صورت اول را گرفت می تواند نسخه های دیگر را هم بگیرد حالا بچه قسم گرفته است یا وراثت بوده یا قائم مقام بوده است یا بحکم محکمه بوده است یا بتراضی طرفی بوده است در صورتی که نسخه اول را گرفت و مفاد این سند افشاشد چه جهت دارد که نسخه المثنی را باو ندهند .

آقا میرزا احمد یا هر جائی که می آید برای تصدیق است نمی توان آنچه چیزیکه در دو طرف یا است از يك جنس شمارد اینجا می نویسند آنها می که می توانند بگیرند یکدسته هستند که حق گرفتن صورت را دارند آنوقت يك با اضافه شود که با آنها می که صورت اول را گرفته باشند از یا فهمیده می شود که قسمت تانی غیر از قسمت اول است غیر اول که شد از این درمی آید که ولو يك نفر چه حق داشته باشد یا نداشته باشد می تواند نسخه دوم را بگیرد .

حاج آقا - بیانی که فرمودید همان طور است غرض از اینها هم که گذاشته می شود برای تصدیق است بواسطه آنکه بدیهی است در دفعه اولی بعضی احوق دارند که آن صورت را بگیرند یعنی کسانی که طرف معامله هستند ولی ممکن است که در همان دفعه اول کسانی که حق نداشته اند صورت گرفته اند و برضایت طرف بیکطوری صورت سند را گرفته اند و وقتی که صورت سند را گرفت همین او را دارای حق می کند بواسطه اینکه ندادن صورت بکسی برای این است که او از مدلول سند مطلع نباشد حالا که مطلع شد همان اطلاعش اثبات حق میکند برایش که بتواند دفعه دیگر هم نسخه دیگر از آن

ندارد با آنچه که می فرمائید برای اینکه گفته میشود المثنی و سایر نسخه ها بکسی داده میشود که حق گرفتن صورت را داشته باشد صورت را کسی حق دارد بگیرد این يك ماده است علیحده صورت را اشخاصی حق دارند بگیرند که اصحاب معامله هستند بعد از آنها اشخاصی که وراثت آنها یا قائم مقام آنها هستند یا اشخاصی که به تراضی اصحاب معامله در باره هر کسیکه تراضی بکنند بعد از این يك ماده دیگر دارد که مستخدمین عدلیه بتقاضای کتبی خودشان صاحب منصبان ادارات با اجازه نامه محکمه و کتبه اشخاصیکه حکم محکمه را ابراز نمایند حالا برای اینکه تمام این مواد را اینجا ذکر نکنیم بطور کلی

دیگر دارد که باید از عهده برآید .

حاج سید ابراهیم - این رایورت سابق از کمیسیون بودجه آمده است چرا بکمیسیون دیگر برود.

رئیس - حالا میخواهید بکمیسیون بودجه برود و بکمیسیون دیگر نرود اهمیت ندارد دستور مجلس هم تغییر نمی کند همانطور که بوده است - دستور سه شنبه ۱۸ قانون قبول و نکول بروات - لایحه استقراض - قانون پستی پنجشنبه ۲۰ - قرارداد خالصجات شنبه ۲۲ - قانون استخدام - بقیه قانون ثبت اسناد.

رئیس - مخالفی نیست؟

حاج عز الملک - کنترات مسیو مولیتر که معاون وزارت پست تقاضا کرد در این هفته جزء دستور باشد اگر مخالفی نباشد جزء دستور این هفته یا هر روزی را که صلاح میدانید بگذارید.

رئیس - اگر قبل از روز سه شنبه رسید که جزء دستور سه شنبه میگذاریم والا جزء دستور پنج شنبه می شود.

(مجلس نیم ساعت از شب گذشته ختم گردید)

جلسه ۲۳۶

صورت مشروح روز سه شنبه ۱۸ شهر ربیع الثانی

مجلس سه ساعت و نیم قبل از غروب بریاست آقای مؤتمن الملک افتتاح و سه ساعت و ربع قبل از غروب رسماً منقذ شد.

آقای معاضد الملک صورت مجلس یوم شنبه ۱۵ را قرائت کرد.

(اسامی غائبین جلسه قبل بترتیب ذیل قرائت شد.)

آقایان: دکتر امیر خان - اسدالله خان کردستانی - دهخدا - حاجی امام جمعه بدون اجازه آقایان: آقا شیخ رضا - حاجی شیخ علی آقا شیخ ابراهیم با اجازه غائب بودند.

و آقایان: ذکاء الملک و آقا سید محمد باقر ادیب نیم ساعت و حاج آقا چهل و پنج دقیقه بعد از موقع مقرر حاضر شدند.

دکتر امیر خان - بنده در جلسه قبل حاضر بودم آقای رئیس بنده را برای کار مخصوصی فرستاده بودند تعجب میکنم با وجود این بنده را غائب نوشته اند و اداره مباشرت اطلاع نداده اند.

رئیس - صحیح است فراموش شده و اصلاح می شود. آقایان معاضد السلطنه و آقای آقا شیخ محمد خیابانی از کمیسیون داخله استعفا داده اند و آقای معزز الملک هم چون در سه کمیسیون انتخاب شده اند باین جهت از کمیسیون نظام استعفا داده اند در جلسه آینده باید بجای ایشان هم انتخاب شود - رایورت شعبه سیم در باب نماینده قایمات است آقای منتصره السلطان خودتان باید بخوانید.

(آقای منتصره السلطان رایورت شعبه سیم را بعبارت ذیل قرائت کردند.)

بتاریخ یکشنبه ۱۶ ربیع الثانی شعبه سوم در تحت ریاست آقای آقا شیخ ابراهیم زنجانی تشکیل در خصوص اعتبار نامه معدل الدوله که در شعبه سابق برصحت آن رأی داده شده و بواسطه مکاتیبی که رسیده بود و محتاج بتجدید نظر بود رسیدگی و تحقیقات بعمل آمد شکایت بهیچوجه قابل توجه نشده مجدداً

رأی گرفته با اکثریت قبول وصحت اعتبارنامه تصویب شد
رئیس - چون عده برای اخذ رأی کافی نیست میماند بآخر جلسه رأی میگیریم دستور امروز قانون قبول و نکول بروات و لایحه استقراض و قانون پستی است عجلتاً شروع میکنیم بقانون قبول و نکول بروات (در این موقع ارباب کیخسرو بودجه مجلس را روی میز رئیس گذاشت).

رئیس - بودجه سنه تنگوزئیل و حساب سال ایتیل مجلس است که آقای ارباب پیشنهاد کرده اند هر دو بکمیسیون محاسبات رجوع میشود بعد رایورتش بمجلس داده خواهد شد در باب قانون قبول و نکول بروات بنده چون تکلیف خودم را نمیدانم استدعا میکنم تکلیف من را معلوم فرمائید چون این قانون قبول و نکول بروات پارسل از مجلس گذشته است و وزارت عدلیه با وزارت تجارت بعضی اشکالات در او ملاحظه کرده و به مجلس فرستاده بودند بکمیسیون رجوع کردید حالا این اصلاحات که کمیسیون عدلیه کرده است در واقع حالت یک قانون جدیدی را پیدا کرده است و باید مطابق قانون دوشور در آن شود منتها در تمام مواد دوشور نخواهد شد در هر ماده که اشکالی پیش آمده و اصلاحی شده است دوشور می شود حالا ممکن است بعضی از آقایان عقیده شان این باشد که یک شور بشود حالا با آقایان است اگر آقای مخبر هم عقیده ای دارند بفرمائید تکلیف معلوم شود.

مخبر کمیسیون عدلیه (آقا شیخ ابراهیم) چون این مسئله مهمی است بنده خاطر آقایان را مسبوق میکنم که بسهولت رأی بدهند چون مادر این قانون نوشتیم باب برات باب حواله است.

رئیس - در باب یک شور و دوشور را فرمائید بفرمائید.

آقا شیخ ابراهیم - البته باید دوشور شود چون استیفایش جدیدی است من تصور کردم توضیحی میخواهید بدهم.

رئیس - در کلیات این قانون مخالفی نیست؟ (اغلب اظهار کردند مخالفی نیست)

رئیس - حالا که مخالفی نیست رأی میگیریم که داخل در شور و مواد شویم.

لواء الدوله - بنده عقیده ام این است که موادی که گذشته است از مجلس سابق و در آنها اصلاحی نشده است آنها شورش لازم نیست فقط در موادی که اصلاح شده است باید مذاکره کرد که یک سال باید باشد یا دو سال.

رئیس - همین طور هست حالا رأی میگیریم آقایانی که موافقتند باینکه داخل در شور مواد شویم قیام نمایند. (تصویب شد بخوانید).

(ماده اول در رایورت کمیسیون بعبارت ذیل خوانده شد.)

ماده اول - امضاء برات کنندگان دلیل اشتغال ذمه او است لهذا هر گاه پس از برات کردن آنکار مدیونیت کند از او پذیرفته نخواهد شد.

حاج امام جمعه - خاطر مبارک آقایان خاصه آقایانی که اهل علمند بخوبی مشهود است که

بمحض امضاء کردن برات این امضاء دلیل بر اشتغال ذمه نمی شود به محض برات کردن که به آدمش یا به یک شخصی که طرف او است بنویسد که فلان مبلغ پول بفلان شخص بده این دلیل نمی شود که ذمه ایل مشغول است لکن در اغلب بروات معمول است منی بنویسند که من فلان مبلغ پول از فلان آدم گرفتم شما بفلان آدم بدهید این در واقع اقرار است بگرفتن پول اشتغال ذمه خودش اگر بعد انکار کرد چون انکار بعد از اقرار مسموع نیست ذمه او مشغول است اینکه بنده بنظرم اینطور میآید با آقایان هم شور کردیم که نوشته شود چون شخص برات دهنده در برات خود تصریح به اخذ وجه آن می نماید لذا اگر بعد از برات کردن انکار مدیون بودن خود را نماید پذیرفته نخواهد شد امامین بفرمائید نوشته است بآدمش که همینقدر پول بفلان آدم بدهید دیگر نمی نویسد که من گرفته ام شما آنجا بدهید اگر اینطور بنویسد این امضاء سبب اشتغال ذمه نمیشود پس اینکه در ماده اول قانون نوشته شده است قدری اعم است در مدعا این است که چیزی که بنده بنظرم میآید و با آقایان شور کردیم این ترتیب بهتر بنظر آمد گرچه آنچیز برات که نوشته باشد که من این پول را گرفته ام خیلی کم است لکن قانون باید محیط باشد تمام افراد خودش و بدقت ملاحظه کرده باشد جزئیاتی که در آن قانون واقع میشود پس اینطور نوشته شود بهتر است.

آقا شیخ ابراهیم زنجانی - نظری که آقا

فرمودند نظر صحیحی است و لکن هر گاه برات چنین چیزی باشد که من پول را گرفتم بدهید او دیگر این قانون را نمی خواهد پس از آنکه نوشت من فلان پول را گرفتم شما بدهید این دیگر قانون نمی خواهد این دیگر انکار ندارد چطور انکار میکند در این صورت باید بدهد این شکی ندارد اگر قبول نکند پذیرفته نخواهد شد این قانون از برای مطلق برات است که حواله میکند کسی که فلان قدر پول بدهد و یک پول هم گرفته است و این حواله کرده است اگر نداده مشغول الذمه کیست این ماده برای این است که آنکه پول را گرفته و حواله داده است مشغول الذمه است چون در خارج کسی که پول نگرفته است گاه میشود حواله به اطمینان اینکه بعد پول بگیرد اگر اینطور باشد صحیح است و اهم است اما اگر چنین قانونی وضع کردیم که هر گاه کسی برات را نوشت این دلیل گرفتن است و دلیل اشتغال ذمه او است آن وقت او تا پول نگرفته است برات نخواهد داد یعنی حواله نمیکند والا اگر بنا باشد وقتی که حواله میکند بنویسد که من این پول را گرفته ام در این صورت دیگر این ماده را لازم ندارد باید بدهد و دیگر نمیدهم معنی ندارد اینکه این ماده را نوشتید برای اینست که این ماده قانونی ملزم کند بر اینکه خودشان را مشغول ذمه بدانند و پول را گرفته حواله بدهند و خودشان را ملزم بدانند که بعد از گرفتن پول حواله بدهند نگرفته حواله نکنند والا اگر نگرفته حواله بکنند بدانند که در صورتی که پول به او نرسد باید بدهد بجهة اینکه این حواله نوشتن دلیل بر اشتغال ذمه او خواهد شد.

آقا محمد - همانطوری که آقای حاج امام فرمودند که تا اقرار نکند نمی توان حکم با اشتغال ذمه او کرد بنده هم موافقم و علاوه عرض می کنم قطع نظر از این که در برات اقرار باخذ وجه کرده باشد یا نکرده باشد خود آن می بینیم مخصوصاً